

یادداشت مترجم

کتابی که در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد ترجمه فارسی مقالاتی از مارکس است که نخستین بار نزدیک به یک قرن پس از نگارش آن‌ها تحت عنوان *دست‌نوشته‌های اقتصادی - سیاسی سال ۱۸۴۴* منتشر شده است. مارکس این مقالات را بین ماه‌های مارس و اوت سال ۱۸۴۴ هنگام اقامت در پاریس نوشت؛ اما تا سال ۱۹۳۲ کسی از وجود این نوشته‌ها اطلاعی نداشت. دست‌نوشته‌ها برای نخستین بار در مجموعه آثار مارکس و انگلس، بخش اول، جلد سوم، به سال ۱۹۳۲ در برلین انتشار یافت.

این اثر که به دوران جوانی مارکس مربوط است بعد از جنگ جهانی دوم شهرت گسترده‌ای در اروپا یافت و بسیاری از جریان‌های فلسفی بحث‌های همه‌جانبه‌ای را پیرامون آن، خصوصاً مبحث از خودیگانگی دامن زدند به گونه‌ای که برداشت‌های تازه‌ای از اندیشه‌های مارکس رواج یافت که به تجدیدنظر در برداشت راست‌گیش از مارکسیسم انجامید.

پرسشی مهم در این میان مطرح است: آیا در این دوره و زمانه که «مارکس» و «مارکسیسم» از «مد» افتاده و هزاران نظریه فلسفی مدرن و شبه‌مدرن به تاخت روانند و برتری نظام سرمایه‌داری را در همه اکناف

درباره ترجمه این کتاب*

مترجم آثار هگل با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. در ترجمه متن حاضر نیز این مشکلات وجود دارد زیرا مارکس در بسیاری از تفسیرهای خود از زبان به‌غایت فنی و «مه‌آلود» هگل فراوان بهره برده است. نخستین دشواری در خود موضوع فلسفه هگل نهفته است. هگل معمولاً نمی‌توانست از واژگان مناسبی در زبان آلمانی بهره‌گیرد تا تمامیت نظرات خویش را بیان کند؛ از این‌رو یا واژگان موجود را با معنای خاصی که برای آن‌ها قائل می‌شد به کار می‌برد و یا اصطلاحات خویش را وضع می‌کرد. ترجمه چنین اصطلاحاتی حتی به زبان انگلیسی که با زبان آلمانی خویشاوند است و واژه‌ها و اصطلاحات فلسفی مشترکی با آن دارد، بسیار دشوار است چه رسد به زبان فارسی که هنوز در مورد بسیاری از واژه‌های فلسفی نقطه‌نظر مشترکی پیدا نشده است. چطور می‌توان اصطلاحاتی از قبیل *Begriff, Wesen, entäussern, aufheben, vorstand, an sich, bei sich, für sich* را به گونه‌ای ترجمه کرد که ویژگی‌های این اصطلاحات حفظ گردد؟

این مشکل با نحوه خاصی که هگل ریشه‌های زبان آلمانی را به کار می‌برد، بیشتر می‌گردد زیرا اصطلاحاتی که هگل به کار می‌گیرد معنایی متفاوت با کاربرد مرسوم آن‌ها دارد. به عنوان مثال واژه ساده‌ای مانند *wirklich* را در نظر بگیرید که معادل آن «واقعی» است. اما همواره باید در نظر داشت که *wirklich* هگل ممکن است معنای «آنچه که عمل می‌کند»، «امر مؤثر» و یا «امر بالفعل» بدهد. به همین نحو *begriff* که به واژه «مفهوم» برگردانده می‌شود، در معنای هگلی‌اش با فعل *greifen* (چنگ زدن، دریافتن) مرتبط است از این‌رو *begriff* عبارت از مفهومی است که باید از محتوای آن درک کاملی داشت. واژه *sinnlich* که معنای «لذات جسمانی»

* این قسمت براساس یادداشتی که ویراستار انگلیسی کتاب نوشته است، تنظیم شده است.

صلا در داده‌اند، کاوش و بازنگری در آثار «عهد عتیق» عملی خردمندانه است؟ متأسفانه مارکس و مارکسیسمی که در ایران شناخته شده‌اند، آن‌چنان به روایت مارکسیسم رسمی و آثار دست دوم مسخ شده است که شاید برای بسیاری این آثار چندان عتیق نباشد. نزدیک به هفتاد سال است که همین اثر به زبان اصلی در غرب منتشر شده اما در هیچ‌یک از مباحثات نظری مخالف و موافق جای پای خود را باز نکرده است. سال‌های سال این مسائل جایی در مباحث سیاسی و اجتماعی ما نداشت: از یک سو عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه و از سوی دیگر رواج چندین دهه مارکسیسم رسمی روسی و مریدان وطنی‌اش که شک را از منکرات می‌دانستند، دست در دست بی‌بنیاد و ریشه بودن تفکر فلسفی غربی در ایران به آن‌جا انجامید که در طیف موافق، یا مارکس را پیشگویی می‌دانستند که جامع‌العلوم است، و یا مرشدی صاحب کرامت که احدی حتی حق تو گفتن به او را نداشت. در طیف مخالف وضع بهتر نبوده و نیست: حرافی‌پرگو، لافزنی خیال‌پرداز و دودمان بر بادده که فقط به درد اروپاییان و آن هم اروپایی قرن نوزدهم می‌خورد. دیگر فهم آن‌چه که مارکس می‌گفت، مطرح نبود چرا که هزاران مفسر تحصیل‌کرده و مارکس‌شناس می‌توانستند به‌خوبی بگویند که او چه گفته و چه نگفته است. ما همیشه با این مشکل ریشه‌دار مواجه بوده‌ایم و تنها اندیشه مارکس نیست که با این بلیه سروکار دارد: دکارت، برکلی، اسپینوزا، هیوم، کانت، هگل و... به‌ندرت آثار این متفکران به زبان فارسی برگردانده شده اما انبوه تفسیرهای ساده‌ساز و مشکل‌گشا همه‌جا در اختیار است.

راقم این سطور امید دارد که ترجمه این اثر مارکس، به درک اندیشه این متفکر بزرگ یاری رساند و کج‌فهمی‌های مولود غرض‌ورزی و احیاناً سوءتعبیرات ناشی از «عدم دسترسی به منابع» که سال‌هاست در این مملکت بیداد می‌کند و هر کس به ظن خود برداشت و تفسیری از این نظریه دارد، تصحیح گردد.

دارد، از واژه *sinne* به معنای حواس گرفته شده است و نباید معنای نفسانی از آن برداشت شود.

صرف‌نظر از این ایهامات، باید توجه داشت که زایش جریان‌های فلسفی در غرب، ضرورت ایجاد و رشد واژگان و اصطلاحات فلسفی را به همراه داشت. طبعاً این واژگان و اصطلاحات بار فرهنگی و اجتماعی معینی را به دوش دارند که هنگام ترجمه به زبانی بیگانه که نه از این سنت فلسفی برخوردار بوده و نه عقب‌ماندگی‌های سیاسی و اجتماعی به «رنسانس» فرهنگی و فلسفی آن‌ها مجال داده، یکسره از دست داده می‌شوند. یا باید با تکیه به واژگان و اصطلاحاتی مهجور، که عمرشان سرآمده، به ترجمه متون فلسفی غربی دست زد - که نتیجه معمولاً ایجاد ابهام بیشتر است - و یا باید از تازه‌ترین دستاوردهای اندیشمندان و روشنفکران این دیار که با همین مسئله به اشکال مختلف روبه‌رو بوده‌اند بهره برد، هرچند برداشت واحدی حاکم نباشد. مترجم اثر حاضر رویکرد دوم را پیشه خود ساخته و روشنی و وضوح مفاهیم را قربانی فنی بودن اصطلاحات نکرده است. سال‌هاست که آثار فلسفی غرب به زبانی ارائه می‌گردد که سوء برداشت از نظریه‌های مؤلف، و در بهترین حالت عدم درک کامل این متون حاصل کار بوده است. امید آن می‌رود که این اثر به چنین سرنوشتی دچار نشود و یاری اندیشمندان و روشنفکران این مرز و بوم دریغ نگردد.

در ترجمه این کتاب، متن انگلیسی «انتشارات بین‌المللی» چاپ سال ۱۹۹۳ که خود ترجمه‌ای است تصحیح شده از متن آلمانی این کتاب در سال‌های ۱۹۳۲، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، مبنای قرار گرفته است. تمام ترجمه فارسی به طور کامل با متن انگلیسی «انتشارات پنگوئن» به ترجمه گریگور بتتن که در مجموعه‌ای با عنوان *Early Writings* در سال ۱۹۷۷ منتشر شده بود و نیز با نیم‌نگاهی به ترجمه فرانسه آن توسط امیلی

بوتیچلی، «انتشارات سوسیال» سال ۱۹۷۲ مقایسه شده است. برای پیشگفتار این کتاب، خلاصه‌ای از مقدمه‌ای که لوچینو کولتی بر مجموعه *Early Writings* نوشته است، انتخاب گردید که به وضوح اهمیت دست‌نوشته‌ها را توضیح می‌دهد.^۱

۱ علاوه بر یادداشت‌های مترجم و ویراستار انگلیسی این کتاب، آن بخش از یادداشت‌های مترجم انگلیسی *Early Writings*، انتشارات پنگوئن، ۱۹۷۷، و مترجم فرانسوی *Manuscrits de 1844*، انتشارات سوسیال، ۱۹۷۲ نیز که برای متن فارسی ضروری بوده آورده شده که همه آن‌ها در پانوشته‌ها و یادداشت‌ها مشخص شده‌اند. افزوده‌ها و یادداشت‌های مترجم فارسی در متن درون قلاب [] و در پانوشته‌ها با نشانه - م. آمده است.